

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندل شینرسون

Torah studies ترجمه کتاب

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مؤدهی

Translated into Farsi by:

Mr. Parviz Mojdehi

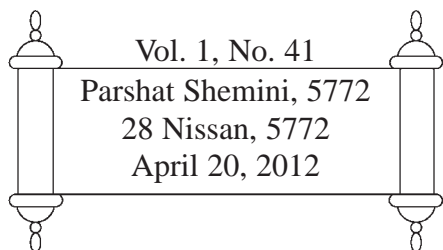
*

Reprinted with permission by:

Chabad Persian Youth

&

Moshiach Awareness Center



Friday, April 20, Light Shabbat Candles, by 7:10 p.m

Saturday, April 21, Shabbat ends at 8:14 p.m.

(Times are for Los Angeles)

This week's issue is sponsored in part by:

B"H

YOSEF Y. SHAGALOV

Traveling Notary Public & Home Signing Agent

Member: National Notary Association

Cell Phone: (323) 934-7095 • Fax: (323) 934-7092

E-mail: yys770@aol.com

"For All Your Notary Needs - At *Your* Location"

To dedicate an issue call (323) 934-7095

Reprinted with permission by:

CPY

Chabad Persian Youth

9022 W Pico Boulevard, Los Angeles, CA 90035

Tel.: (310) 777-0358 * Fax: (310) 777-0357

<http://www.cpycenter.com> * e-mail: cpycenter@sbcglobal.net

Rabbi Hertzal Peer, Executive Director

&

Moshiach Awareness Center,

a Project of:

Enlightenment For The Blind, Inc.

602 North Orange Drive, Los Angeles, CA 90036

Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092

<http://www.torah4blind.org> * e-mail: yys@torah4blind.org

Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director

Printed in the U.S.A.

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

نیز بخودی خود باعث می شود که نیروهای تازه ای از روحانیت کشف بشود. این دوران در واقع برگشت به عقب به حساب نمی آید بلکه گذر از آنها به انسان کمک می کند که به مراتب بالاتری از درک روحانی و مذهبی برسد. این دوران و زمان ها قسمتی از برنامه و هدف خداوند هستند. مراحل و پله هایی از نردبان ترقی و پیشرفت دائم انسان. ۱۳
(منبع: لیکوتی سیخوت جلد سوم صفحه ۹۷۷-۹۷۳-۱۱-۱۵-۷)

شمینی

پاراشای این هفته که نام آن شمینى به معنای هشتم می باشد اشاره به روزی می کند که در آن اهرون و پسرانش به عنوان کهنیم میشکان انتخاب شدند همچنین خداوند در این روز به بنی یسرائل آشکار شد. ولی به چه علت این روز، روز هشتم خوانده شده است؟ به نظر نمی آید که این هشتمین روز دنباله هفت روزی باشد که مقدس کردن میشکان در آن انجام شد. هفت روزی که کوشش انسان را برای نزدیک شدن به خداوند نشان میدهد. روز هشتم دنباله کوشش انسان نبود بلکه روزی بود که خداوند با حضور خود در واقع جوابی به کوشش های آنها داد. و واقعا هیچگونه مقایسه ای مابین کوشش انسان محدود و آشکار شدن حضور خداوند نامحدود نمی توان پیدا کرد. بنابراین ما چگونه می توانیم روز هشتم را دنباله و ادامه روز هفتم بدانیم؟ موضوع این بحث از همین مسئله آغاز میشود و پژوهشی را در مورد ارتباط کوشش انسانی و آشکار شدن حضور الهی دنبال می کند. همانگونه که این ارتباط در میشکان. در شبات. در بریت و در شمارش عومر دیده می شود.

۱- روز هشتم

پاراشای این هفته با این کلمات شروع میشود. "در روز هشتم بود که... "کلی یاکار" در تفسیرش بر تورا می برسد که چرا این روز که بدنبال هفت روز قبلی مقدس کردن میشکان آمده است. روز هشتم خوانده شده است.

خواندن این روز به عنوان روز هشتم بطور ضمنی به ما می گوید که آن دنباله هفت روز قبلی است. ولی در واقع عمل مقدس کردن میشکان فقط هفت روز طول کشید. "هفت روز تا روز پایان یافتن روزهای انتصابتان از درگاه چادر محل اجتماع بیرون نروید زیرا هفت روز طول می کشد تا شما را منتصب کند".^۱ در تمامی این هفت روز مذبح خداوند کاملا مقدس میشد و روز بعد یعنی روز هشتم کاملا روزی جدا و متفاوت بود روزی بود که برای مخصوص کردن اهرون و فرزندان او برای انجام وظایف کهنات انتخاب شده بود.

جوابی که "کلی یاکار" می دهد این است که علت این که این روز، روز هشتم خوانده شده است این است که تأکید بر خصوصیت خاص این روز بکند چرا که درست بعد از آن روز، تورا می گوید

که "در این روز بخصوص خداوند بر شما ظاهر می شود". به عبارت دیگر تورا به ما میگوید که بخاطر آنکه آن روز، روز هشتم بود خداوند به آنها ظاهر شد در حالی که در تمامی هفت روز قبل خداوند به آنها ظاهر نشد.

عدد هفت شماره ای از روزهای هفته، معیاری برای اندازه گیری زمان در این دنیای مادی و فیزیکی و سمبلی از بُعد انسانی می باشد در حالی که عدد هشت سمبل پدیده هایی فراسوی دنیای مادی، فیزیکی انسانی است و سمبلی از تقدس است.

به همین علت است که "بریت" می تواند در روز شبات انجام شود برای آنکه بریت متعلق به روز هشتم و شبات سمبل روز هفتم می باشد. به عبارت دیگر روز شبات متعلق به زمان و بُعد انسانی است ولی "بریت" به قلمرو تقدس و ماوراء طبیعی تعلق دارد و همواره مطالب روحانی و مقدس بر موضوعات انسانی و فیزیکی ارجحیت دارند.

۲- درجات تقدس

اینکه می گوئیم که روز هفتم جزئی از روزهای هفته می باشد به این معنا نیست که آن همچون روزهای معمولی هفته و موضوعات غیر روحانی است. بلکه شبات با وجود آنکه جزء یکی از این هفت روز می باشد روزی مقدس بشمار می آید. با این حال نیز شبات هنوز هم یکی از روزهای هفته می باشد و به این ترتیب به نظام چیزهایی که خلق شده اند متعلق است. در حالی که عدد هشت بیان کننده ایده ایست که کاملاً و رای محدود زمان قرار دارد و به این ترتیب کاملاً با خداوند به همان گونه که خداوند هست یکی می باشد و نه به آن گونه که خداوند با جهان ارتباط دارد.

"کلی یاکار" مثالی برای نشان دادن عدد هشت می آورد و آن اینکه در زمان ماشیح چنگی که در بت همیقداش نواخته خواهد شد دارای هشت سیم خواهد بود.^۲ در حالی که چنگی که در میشکان استفاده میشد دارای هفت سیم بود. تقدس چنگی که در زمان ماشیح مورد استفاده قرار می گیرد. از تقدس چنگ هفت سیم زمان میشکان بیشتر است.

تورا نیز به خودی خود مقدس است ولی در مقایسه با دانش تورا در زمان ماشیح، فهم و درک ما از آن به عنوان چیزی باطل خوانده شده است.^۳ به عبارت دیگر در تقدس درجات متعددی وجود دارد. تقدسی وجود دارد که مربوط به دنیای

خوانده می شود چه ارتباطی مابین شمارش عومر و پاراشای شمینی وجود دارد؟ در تورا در مورد عومر می گوید^۹ "شما می بایست پنجاه روز بشمارید". ولی در واقع ما فقط چهل و نه روز را می شماریم چرا؟ جواب آن است که در هفت هفته ما خودمان را قدم به قدم، روز به روز، از چهل و نه مرحله ناپاکی دور می کنیم و چهل و نه مرحله دانش خداوند را پشت سر می گذاریم. پنجاهمین مرحله نهایی دانش و فهم الهی، مرحله ایست ماورای وجود ما. تنها زمانی که ما با تلاش و کوشش خود مرحله چهل و نهمین را پشت سر بگذاریم مرحله پنجاهمین از طرف خداوند به ما هدیه میشود.

هفت هفته عومر شبیه به هفت روز مقدس کردن میشکان می باشد و آن نماینده چیز است که انسان می تواند بوسیله کوشش و تلاش خود کسب کند. و روز پنجاهم عومر مانند روز هشتم مقدس کردن میشکان است و آن هدیه ایست که از خارج به ما داده میشود جواب خداوند به کوشش و تلاش ما. روز پنجاهم، روز شاووعوت است روزی که خداوند تورا را در سینای به ملت ما اعطا کرده است و آن روز، روز پیش درآمد زمان ماشیح می باشد.^{۱۰}

۵- آزادی ما در گذشته و آینده

شمارش عومر نه فقط یک آمادگی برای یادگیری تورا است بلکه همچنین آمادگی برای دوران ماشیح می باشد. در میخا آمده است^{۱۱} که "همچون روزهای خروجت از مصر به شما عجایبی را نشان خواهم داد، اما نجات از مصر تنها در یک روز، روز پانزدهم نیشان انجام شد. پس چرا در اینجا می گوید "همچون روزهای خروجت از مصر...؟" راو قبلی لوباویچ توضیح می دهد که نجات از مصر فقط زمانی کامل می شود که نجات آینده ما فرا برسد. تا آن زمان، هنوز در مصر بنده هستیم. مصری که معنای آن محدوده ها و کمبودهای وجود خودمان است نجات تاریخی ما در سال ۲۴۴۸ تنها شروع نجاتی است که ما باید آنرا در وجود خودمان آغاز کنیم. و این نجات تنها در زمان ماشیح کامل می شود. زمانی که بالاخره به مرحله ای میرسیم که رسیدن به اوج درجات روحانی در دسترس ماست. اگر زمان هایی در تاریخ ما وجود دارد که تاریک است که بنظر میرسد که این مراحل برگشت به عقب و یا توقف است و یا بنظر میرسد که ما از نظر روحانی به عقب رفته ایم. علت آن این است که رسیدن به بعضی مراحل روحانی احتیاج به عبور از دوران سخت و مشکل دارد. عبور از این دوران سخت

لَعَسَوت^۶ معمولاً به معنای انجام دادن ترجمه می شود در حالی که معنای دقیق آن "ساختن" است. به این ترتیب شبات چیزی است که آنرا می سازند زمان مقدسی است در میان روزهای هفته که ما آنرا با اعمال خودمان میسازیم. اما جنبه دوم شبات آن است که شبات ذره کوچکی از جهان آینده یعنی دوران ماشیح می باشد. این جنبه از شبات چیزی نیست که ما بتوانیم خودمان آنرا کسب کنیم بلکه چیزیست که ما به عنوان هدیه از جانب خداوند دریافت می کنیم. این همان چیزیست که تلمود درباره آن می گوید که^۷ خداوند به مَشه گفت که من هدیه با ارزشی در خزانه ام برای بنی یسرائل دارم و آن "شبات" است.

هدیه و پاداش دو چیز متفاوت هستند. پاداش چیزیست که گیرنده بخاطر لیاقت، شایستگی اش و غیره دریافت می کند. ولی هدیه نشان دهنده صرفاً خواسته اعطاء کننده آن است و انسان آنرا فقط بخاطر خواسته دهنده آن دریافت می کند. و این جنبه از شبات، این ذره کوچک از زمان ماشیح، کاملاً متعلق به خداوند است و دارای تقدسی است که کاملاً ماوراء محدودیت های انسانی است.

با این حال^۸، حتی به عنوان هدیه نیز ما می بایست برای دریافت آن زحمت بکشیم. حخامیم می گویند^۹ چنانچه گیرنده هدیه موجبات خرسندی دهنده آنرا فراهم نیاورد. دهنده هدیه آنرا به او نمی دهد. به عبارت دیگر چنانچه ما با اعمالمان موجبات خوشحالی خداوند را فراهم نکنیم، این هدیه را دریافت نخواهیم کرد. تا آنجا که^{۱۰} هر کس که در عصر قبل از شبات زحمت می کشد در روز شبات از حاصل این زحمت^{۱۱} استفاده می کند. بخاطر زحمت و تلاشمان به ما هدیه ای داده میشود که ارزش آن بسیار بالاتر از ارزش زحمت ماست.

در مورد ظهور خداوند در میشکان نیز عیناً همین موضوع صادق است. این ظهور تنها زمانی میسر شد که تلاش، زحمت و کوشش انسان به نقطه کمال و پایانی خود رسید. زمانی که انسان هر آنچه را که در توانش است انجام میدهد که خودش را برای خداوند مقدس کند آنوقت خداوند این هدیه خودش را به انسان میدهد. به همین علت است که این روز روز هشتم خوانده شده است. روز محبت خداوند، روزی که جوابی است برای هفت روز تلاش انسان برای نزدیکی به خداوند.

۴- شمارش عומר

در بسیاری از سالها پاراشای شمینی درست بعد از پسخ و نزدیک به آغاز شمردن هفت هفته عומר

فیزیکی ماست و سمبل آن عدد هفت است و بوسیله عدد هفت نشان داده می شود. این تقدس به محدوده ظرفیت های انسانی مربوط می شود و تقدسی وجود دارد که اثرات آن به ماوراء این جهان میرسد و به ورای این عقیده که خداوند و جهان دو پدیده جدا هستند میرود. این تقدس به وسیله عدد هشت نمایش داده می شود.

۳- هدیه و پاداش

جوابی که کَلِی یا کار^{۱۲} سعی می کند به سؤال مطرح شده اش بدهد نه تنها جواب سؤال را نمی دهد بلکه قوت سؤال را هم بیشتر می کند.

از یک طرف اگر روز هشتم به معنای وحدت کامل با خداوند است بنابراین آن نماینده یک پدیده ماوراء طبیعی است، و بنابراین با هفت روز قبل که سمبل کوشش و تلاش انسان است، کوشش و تلاشی که برای مقدس کردن نظام طبیعت در زمان معمولی صورت می گیرد هیچگونه رابطه ای نمی تواند داشته باشد. و از طرف دیگر عنوان "روز هشتم" خود اشاره بر این است که آن ادامه ای از روز هفتم است و با هفت روز قبل ارتباط دارد.

جواب این است که آشکار شدن حضور ماوراء طبیعی خداوند بستگی به کوشش و تلاش انسان دارد. دوران ماشیح بوسیله عبادت و تقیلائی ما فراهم میشود. کوشش ما برای مقدس کردن جهان در هفت روز، زمان طبیعی و فیزیکی، که نشان دهنده ایمان ماست جواب خداوند که همان دوران ماشیح می باشد را در روز هشتم فراهم می آورد. بنابراین گرچه زمان ماشیح کاملاً در سطحی بالاتر از تقدسی قرار دارد که ما با عبادت‌هایمان در حال حاضر ایجاد می کنیم. این زمان یک وقوع ناگهانی در تاریخ قوم یسرائل نخواهد بود بلکه آن نتیجه آنچه که ما در حال حاضر انجام میدهیم می باشد. به عبارتی آن زمان به معنای روز هشتم است. روز هشتمی که ادامه دهنده و مکمل کننده آن نقطه کمالی است که ما به دنبال آن هستیم و رسیدن به این کمال تنها زمانی میسر است که آنچه را که در توانمان بوده است را انجام داده باشیم.^{۱۳}

به عنوان مثال شبات که روز هفتم است دارای دو جنبه می باشد. جنبه اول آنکه شبات یکی از روزهای هفته به حساب می آید که مقدس تر از شش روز دیگر است ولی هنوز جزئی از روزهای هفته و قسمتی از زمانی است که مادر آن زندگی می کنیم. در پاسوق آمده است که^{۱۴} "پسران بنی یسرائل شبات را نگه بدارند و در دوره هایشان شبات را انجام بدهند". که کلمه

۶- شبات ۱۰ پ
۷- مگیلا ۲۶ پ گیتین ۵۰ ب. بابائرا ۱۵۶ الف
۸- عورودا زارا ۳ الف (لیکوتی توراه
شیرهشیریم ۲۴ ب)

۴- همان مرجع ص ۴-۵
۵- شמות ۱۶-۱۳